

# یادداشت‌های بی تاریخ

صدرالدین الهی

E-mail: elahi1@aol.com • Fax: (925) 930-7868

به نقل از کیهان چاپ لندن

## در آستانه سی امین سال حریق سینما رکس آبادان

بخش سوم

(۱۴)

### موقعیت سینما رکس و نحوه آتش زدن آن

سینما رکس شکل یک مستطیل داشت، مستطیلی که یک راهروی L Shape می آمد درست از در ورودی یک ضلع این مستطیل، دراز (ی آن را) می گرفت و می رفت پشت ضلع کوچک را می گرفت. یعنی درست یک راهروی L Shape بود که یک ضلع بزرگ و یک ضلع کوچک سالن سینما را می گرفت. بعد دو در بود که به این راهرو باز می شد. یک در، در ضلع بزرگ این مستطیل و یک در، در ضلع کوچک. یعنی شما هر جور که می آمدید بیرون باید از این راهرو رد می شدید و می رسیدید به در اصلی سینما و از سینما خارج می شدید. هیچگونه در (خروج) اضطراری وجود نداشت. رضا شهروند آبادانی که در زمان وقوع این فاجعه نوجوان ۱۶ ساله ای بوده و یکی از اولین کسانی که به محل آتش سوزی رسیده می گوید: شب بود آخرین سانس فیلم گوزنها بود که آتش سوزی انجام شد و ... (آتش در گرفت).

حسین تکبعلی زاده می گوید: وقتی خواستیم داخل شویم هیچ مأمور یا کارگری در مقابل سینما نبود و رفتیم داخل سالن نمایش نشستیم. فیلم شروع شده بود و در قسمت چهار تومانی در بالکن نشستیم. فرج گفت می روم دستشویی و رفت فرج بعد از ده دقیقه برگشت و نیمه های فیلم بود که فرج به آرامی گفت برویم. (بر اساس شواهد ارائه شده هنگام ورود حسین تکبعلی زاده و یارانش به سالن سینما، آن صحنه از فیلم روی پرده بوده که در آن «قدرت» قهرمان فیلم مشغول آگهی برای جلب مشتری در نمایش کافه ای در لاله زار تهران بوده است: صدای بهروز وثوقی همراه با رقص و آواز: «نمایش کمندی موزیکال خشم هیتلر یا کلفت پرور، امشب و هر شب عجله کنید عجله کنید امشب و هر شب عجله کنید...» بعد بلند شدیم رفتیم داخل سالن انتظار، از در عقب از طرف بوفه، سر آن دو راهی کمر بندی در سالن سینما که آب سرد کن هم همان جاست، همه با هم رفتیم و وقتی رسیدیم صحبتی از کجا ریختن تیرها نشده بود. آنجا ایستادیم. هیچکس داخل سالن (انتظار) نبود. فرج شیشه اش را در آورد و گفت شما جلوی بوفه بریزید و خودش با یدالله رفت.

بعد فلاح و یدالله در سالن روبرو که به بله ها می خورد مواد را ریخت و من و فلاح هم تینر را طرف بوفه روی دیوارها و صندلیها ریختم. برگشتیم برویم داخل که فرج به من گفت: کبریت بزن و بعد بیا داخل! خودشان رفتند داخل سالن و کبریت را من زدم... وقتی کبریت را انداختم تقریباً دور تا دور سالن آتش گرفت، گر گرفت. بعد که صحنه آتش را دیدم وحشتزده داخل سالن نمایش دویدم. فلاح را در آنجا دیدم که بالاخره جسدش هم پیدا نشد. نشستیم پهلوی فرج و یدالله. خواستم به آنها بگویم و داد بزنم، اما نمی توانستم. دو سه دقیقه بعد، یک نفر از پشت در داد زد که سینما آتش گرفته است.

کیوان فتوحی: اولاً تا می آیند مردم داخل سالن بفهمند که سینما آتش گرفته، چون آتش توی راهرو بوده، طول می کشد وقتی هم متوجه می شوند، در خروجی نبوده. باید همه از این دو تا در وارد راهرو می شدند و می آمدند بیرون و (آن وقت دیگر آتش خیلی قدرتمند شده بود...) یک تعداد کسی از توی این آتش رد می شوند و خودشان را به بالکن می رسانند و خودشان را پرت می کنند پایین. این تعداد اندکی که موفق شدند خود را از گیر افتادن در داخل آتش بربانند احتمالاً شامل خود آتش زندگان هم می شود که آگاهی قبل داشته اند و به اصطلاح چون دیگران غافلگیر نشده بودند و از جمله اینان البته حسین تکبعلی زاده بود.



را گذاشتند و فلان و اینها، بعد ناپدید می شدند. یعنی کسی نبود. یعنی تا می خواستی آتش سؤال بکنی چیه؟ می دیدی غیبش زد.

دقیقاً این را یادم هست. مردم هنوز نمی دانستند دقیقاً چه اتفاقی افتاده و ابعاد فاجعه روشن نبود. در بین کسانی که مقابل سینما جمع شده بودند اتفاق نظر وجود نداشت که آیا کسانی داخل هستند یا نه. اما مردم قصد کمک داشتند. رضا می گوید: با کلنگ و تبر می خواستند جداره دیوار یک قسمتی را بشکافند و وارد شوند توی سینما- تو راهرو سینما. بعد انتهای آن راهرو شیب داشت. (آتش زندگان) سینما آن گالنها را برگردانده بودند. مواد آتشنا



همین جوری توی تاریکی سینما زیر پای تماشاچیان آمده بود. تا اینها به صورت L که انتهایش پله می خورد می آمد توی خیابان یعنی درب ورودی سینما در اصل. آنجا قسمت انتهایی پله ها اینها کبریت را کشیده بودند و آن L سینما- راهروی سینما که به صورت L بود آتش گرفته بود. بعد آتش وارد سالن شده بود.

(۱۵)

### جسد‌های کباب شده و ... چشمهای آب شده

بالاخره آتش خاموش شد و مردم و مأموران توانستند به داخل سینما بروند و فعالیت برای انتقال جسد‌ها به گورستان آغاز شد. رضا که تمام شب را در محل سینما به سر برده و تا ظهر روز بعد در گورستان شاهد ماجرا بوده، وضع داخل سینما را چنین توضیح می دهد: به صورتی بود که مأموران حالشان بد می شد. حال تهوع بهشان دست می داد. افسران ژاندارمری از مردم آنجا که ایستاده بودند درخواست کمک می کردند. خوب برادر من هم رفت همراهشان کمک کند...

البته داخل سینما تا قسمت زانوی تماشاچیان نشسته بر روی صندلی پر آب بود در سالن سینما. این مردم بیگانه به

صورتی فجع کشته شده بودند که وقتی می خواستی دستش را بگیر، دست جسد را بگیر و بگذاری توی برانکار که برداری بیاوری پایین دست کنده می شد حالت توی فر خورا کپزی بود دست کنده می شد. اکثر آبینی ها آب شده بود. چشمها کلاً آب شده بود. یعنی شما هیچ جسدی را در آن ۵۰۰ تا، ۴۰۰ تا- یا ۷۰۰ تا- ما در آن موقع آمار ۷۰۰ تا را داشتیم- هیچ کدام چشم نداشتند. هیچ کدام بینی نداشتند. هیچ کدام از اجساد. این را دقیقاً می توانم بگویم. چون من توی گورستان هم تا فردا ظهر بودم. یعنی از صبح رفتم آنجا تا ظهرش تک و توکی می دیدید کسی انگشت دارد. هیچ کدام انگشت ندارند معمولاً زن باردار بود که بچه از شکمش آمده بود بیرون. پدری بود که دو تا بچه اش را بغل کرده بود. تو همان حالت خفه شده بود و همان جوری سوخته بودند...

اما در گورستان چه گذشت؟ رضا می گوید: آن روز توی گورستان آبادان نمی شد، یعنی کسی شناسایی نمی شد به آن صورت. چون چهره ای نمانده بود. اگر می خواستند از روی لباس تشخیص بدهند به سختی می شد. لباسها جمع شده بود. بعضی که کارت شناسایی شان را در می آوردند همان جوری می گذاشتند روی خود جسد تعدادی را این جوری دفن کردند: لودر آوردند یک محوطه ای را کردند. کلیه اجساد که شناسایی شده بود تا ساعت ۱۲ همه را ریختند تو آن قسمت گودال و... بالاخره به علت گرمای شدید هوا و بوی سوخته جسد‌ها که تمام فضا را گرفته بود، امکان نگهداری جسد‌ها برای شناسایی ممکن نبود. پس همه آنها را در گودالی دفن کردند...

(۱۶)

### دادگاه نمایشی اسلامی

دادگاه رسیدگی به پرونده آتش سوزی سینما رکس که زیر فشار بازماندگان قربانیان سینما برگزار شد، مجموعه ای بود نامتجانس و در واقع به هر چیز شبیه بود مگر دادگاهی که قصد روشن کردن موضوع را داشته باشد. متهم شماره یک حسین تکبعلی زاده، که به اصرار خود دستگیر شده بود، و پیشنهاد خروج از ایران توسط یاران انقلابی اش را نپذیرفته بود، و کیل نداشت و از حق مشورت محروم شده بود. سؤال و جوابهای میان دادستان و رئیس دادگاه با او حاکی از آشنایی قبلی میان حجت الاسلام موسوی تبریزی با وی بود. و شاید تکبعلی زاده با اعتماد به روابط سابق با یاران انقلابی اش اصرار در برگذاری دادگاه داشت تا ثابت کند که ساواکی نیست و همان طور که رشیدیان و حجت الاسلام جمی به او قول داده بودند بعد از یک محاکمه مختصر از او رفع اتهام شود و رهایش کنند.

به همین دلیل بود که به قول بیژن خوزستانی او در دادگاه بیشتر شاک می بود تا متهم. «این آدم در واقع می شود گفت به عنوان متهم ردیف اول دادگاه، بعضی وقتها آدم می دیدش، می دید نه به عنوان متهم ردیف اول دادگاه بلکه به عنوان شاک می و معترض و ناراحت از چیزی که اتفاق افتاده و در واقع ناراحت تر از چیزی که داشت اتفاق می افتاد. این آدم عکس العملش در واقع این شکلی بود تو دادگاه.» علاوه بر محروم کردن تکبعلی زاده از حق داشتن و کیل، دادگاه کمترین سعی را در احراز هویت یاران تکبعلی زاده نکرد و از احضار فلاح، یدالله، محمد رشیدیان، حجت الاسلام جمی و برادر او که بنا به مذاکرات دادگاه در جرایمات انقلابی نقش داشته و نیز محمد کباوش، حجت الاسلام جواهر دوست رئیس دفتر آیت الله خمینی، ایرج آذری، آیت الله گیوه و دیگران که می توانستند بخشی از فاجعه را روشن کنند، خودداری کرد و اصولاً معلوم نشد آیا این اسامی مستعار است یا نامهای واقعی.

معلوم نشد آیا محمود ابوالپور همان محمود عبادپور است و آیا تشکری نامی که در شرکت هواپیمایی کار می کرده همان عبدالله لرقباست که در دادگاه شهادت داد یا فرد دیگری است؟ چرا دادگاه دو تن از یاران تکبعلی زاده به نامهای لرقبا و ابوالپور را که شهادت دادند با او همکاری کرده اند و تکبعلی زاده گفت ماده آتش زا را از عبدالله لرقبا گرفته، رها کرد؟

چرا دادگاه روشن نکرد حبیب بازیار، رئیس ستاد عشایر خوزستان به چه دلیل قصد داشته تکبعلی زاده را به خارج از کشور بفرستد؟

دنباله مطلب در صفحه ۲۳

## خدمات کامپیوتری و ماهواره ای مریدین

بایش از ۱۰ سال تجربه، کادر ورزیده و حرفه ای، سرویسی سریع و مطمئن

- ❖ نصب حرفه ای آنتن های ماهواره ای (دیش) برای دیدن تلویزیونهای ایرانی ۲۴ ساعته
- ❖ دیش نت ورک، دایرکت تی وی و دیش برنامه های تلویزیونی ترکیه
- ❖ سرویس کامل فروش، تعمیر و آموزش انواع کامپیوتر، پرینتر، سرور

### Satellite Services:

- ❖ Iranian & International Satellite Equip. & Installation (More than 24 FREE Iranian Channels)
- ❖ Repair & Adjustment
- ❖ Dish Network & DirecTV American Satellite Equipment & Installation - Authorized Dealer
- ❖ DFH Turkish Satellite Installation & Repair - Authorized Installer

(408) 979-9944

1584 Meridian Ave., (At Hamilton), San Jose, CA 95125 • Fax: (408) 979-9086

www.mericomp.com • info@mericomp.com

### Computer Services:

- ❖ Sales and Services of all Computer Systems & Servers
- ❖ Diagnostic and repair
- ❖ Tune up & Upgrade
- ❖ Virus & Spyware Removal
- ❖ On-Site Service & Maintenance
- ❖ Laptop Repair
- ❖ Printer Repair
- ❖ Computer & Internet Training
- ❖ Website Design & Hosting
- ❖ Digital Photography & Photo Restoration
- ❖ Data Recovery
- ❖ eBay consignment (Let us sell it for you on eBay)
- ❖ eSKY Internet Phone (VOIP)
- ❖ ITVN - Internet/Interactive TV (Setanta European Soccer Sports Channel) - Authorized Dealer
- ❖ Digital Signage - LCD Display for your business Advertisement

